



مفسر بزرگ قرآن کریم، آیت الله العظمی محمد صادقی تهرانی (قدس الله تریته الزکیة) منتقد به بیش از ۵۰۰ فتوای مشهور مخالف قرآن است. ایشان با ارائه کردن فقه گویا - که با محور قرار دادن قرآن در تمام ابعاد علوم دینی بدست می آید- در برابر فقه سنتی و فقه پویا - که قرآن محور نیستند - از این احکام قرآنی دفاع کرده‌اند. و اینجا سیری در فتاوی فقهی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی راه، از احکام مهجور فقه قرآنی - که فقهی گویاست - با مقدمه ای در محوریت قرآن کریم در همه علوم و معارف دینی، عرضه می‌داریم:

قرآن، محور اصلی در ساخت دین

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران/۱۰۳)

و همگان ابا هم از تمامی ریسمان خدا عصمت بطلبید و پراکنده نشوید.

* «حبل الله» که پیوندش با الله یگانه و باقی است همان قرآن است که دریافت عصمت علمی آن برعهده فرد و جمع مسلمانان است. و این «جمیعاً» هم جمع قرآن و هم جمع مکلفان را در بر دارد که همگی می توانند از تمامی قرآن حداقل طلب عصمت علمی و نگرهبانی فردی و اجتماعی در تمامی ابعاد زندگی بکنند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات الله علیه) می‌فرماید: «وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ؛ و [قرآن] برای چنگ زنده [به آن]، نگاهدارنده [از خطا و لغزشها] است». (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۵)

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (نساء/۸۷)

و چه کسی در هر چیز جدیدی (اعم از گفتار و کردار)، راست تر از خدا است؟

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء/۱۲۲)

و چه کسی در هر سخنی، راستگو تر از خدا است؟

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء/۹)

به راستی این قرآن به هر آنچه استوارتر، محکم‌تر و ارزشمندتر است، هدایت می‌کند.

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (اعراف / ۱۷۰)

و کسانی که به وسیله کتاب [و حیاتی، خودشان و دیگران را] به شدت نگهبانی می کنند و نماز را برپا داشتند [اصلاحگرند]. بی گمان ما اجر اصلاح کنندگان را تباہ نخواهیم ساخت.

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان / ۳۰)

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت : «پروردگارا ! قوم من بی گمان این قرآن را - به گونه ای - دور شده و مهجور در بر گرفتند.»

* بر اساس آیه فوق، مهجوریت و عمل نکردن به قرآن موجب اذیت و نارا حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می شود و لذا در پیشگاه خدای متعال لب به شکایت می گشاید. و بر اساس آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (احزاب/ ۵۷) چنین کسانی مورد لعنت الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا و آخرت قرار خواهند گرفت.

امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) می فرماید:

«مَنْ قَالَ بِه صَدَقَ وَ مَنْ عَمِلَ بِه سَبَقَ ؛ کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و کسی که از آن پیروی کند [از دیگران] پیشی گرفته.» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۵)

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ؛ روزگاری بر مردم می آید که در ایشان از قرآن جز خطش باقی نمی ماند» (حکمت ۳۶۱). یعنی در قرآن اندیشه نمی کنند و به دستوراتش عمل نمی کنند.

«يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى، وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ [زمانی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نماید] هوای نفس را به هدایت و رستگاری بر می گرداند [و گمراه شدگان را به راه راست می برد] آنگاه که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند [و از شریعت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم دست شسته و خواهش نفس را پیروی کرده باشند] و رأی را به قرآن برمی گرداند [و مردم را از بکار بستن اندیشه های نادرست نهی کرده؛ به رجوع به قرآن و می دارد تا به دستور کتاب خدا رفتار نموده و مخالف آن را دور اندازند] آنگاه که مردم قرآن را به رأی و اندیشه خود مبدل کرده باشند [و از قرآن چشم پوشیده، امور را طبق اندیشه نادرست خود انجام دهند]». (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه ای از احکام، مبتنی بر فقه گویا

- ۱- تنها تقلید از مجتهد اعلم آقای قرآنی، واجب است.
- ۲- بر اساس آیه ۱۸ از سوره زُمر، تقلید ابتدایی یا استمراری از فقیه اعلم اتقی، واجبی استثنای ناپذیر است ولو اینکه رحلت کرده، یا کودکی نابالغ باشد!
- ۲- اجتهاد کسی که اصطلاحاً مجتهد بوده و شرایط ذیل را دارد حرام است:
 - قرآن را کتاب معصوم الهی در بیان نداند یا آن را ظنی الدلائل بداند.
 - بررسی سند روایت را بر عرضه روایت بر قرآن مقدم بدارد.
 - بر اساس فقه پویا، موضوع زمان و مکان را بر قرآن و سنت تحمیل نموده و حکم جدید جعل نماید.
- ۳- تقلید از کسری که روایت را بر قرآن عرضه نمی‌کند علی قرآن را قطعاً الدلالة نمی‌داند، و مصداق یکی از موارد ذلی می باشد، جای رهبت:

 - کسی که نسخ نصوص یا ظواهر مستقر قرآن را با حدیث جایز می‌شمارد.
 - کسی که فرقی بین نصوص و ظواهر پایدار قرآن با عمومات و اطلاعات ضابطی نمی‌گذارد و همه آنها را کلاً با حدیث، تخصیص یا تقييد می‌کند.
 - کسری که صرفاً سند صحیح روایت را بر نصوص و ظواهر مستقر قرآن مقدم می‌داند.
 - کسی که در غیر حالت حرج و یا عسر، حکم اولی اسلام را به عنوان مصلحت تغییر می‌دهد.
 - کسری که احکام را بر اساس زمان یا مکان پویا می‌داند.
 - کسی که اجماع و یا شهرت مخالف قرآن را بر قرآن مقدم می‌داند.
 - کسری که اجماع یا شهرت را بر نص سنت قطعیه ترجیح می‌دهد. مانند ترجیح استحباب غسل جمعه طبق شهرت بر وجوب غسل جمعه بر اساس سنت قطعیه.
 - کسری که به عنوان مصلحت یا تقیه، فتاوی خلاف قرآن را افشاء نمی‌کند.
 - کسری که به عنوان مصلحت یا تقیه، حکم غیر فقیه را بر حکم فقیه مقدم می‌شمارد.
 - کسری که تدریس دروس حوزوی را بر «تدریس تفسیر قرآن بدون محافظه‌کاری» ترجیح می‌دهد.
 - کسی که قرآن را به عنوان کتاب اصول احکام الهی یک دوره کامل مطالعه دقیق و بدون تحمیل نکرده است.

- ۴- در اسلام، احکام ثابت است گرچه ممکن است موضوعات در طول زمان و در بعضی مکان ها تغییر کند و با تغییر موضوع، حکم جدید بر اساس احکام ثابت قرآن و سنت قطعیه صادر می‌گردد.

- ۵- قرآن هرگز ظنیّ الدلالة نیست بلکه قطعیّ الدلالة می‌باشد و فقط در حروف مقطعه و عمومات و اطلاقات ضابطی نیاز به بیان از طرف معصومان علیهم السلام دارد.
- ۶- آیات متشابه فقط در انحصار ذات، صفات و افعال خدای متعال است که معنای آن هم با ارجاع به آیات محکمت روشن می‌شود.
- ۷- اجماع، شهرت و ... در صورتی که مخالف قرآن باشد قابل قبول نیست ولی اجماع و شهرتی که نه موافق قرآن است و نه مخالف آن در صورتی که اختلافی در آن نباشد، پذیرفته است.
- ۸- بسیاری از مطالب موجود در کتب اصولی رایج در حوزه های علمیه، اصلی اسلامی نداشته بلکه تناقضاتی بیش نیست. و با تناقضات و مقدمات آشفته هرگز نمی‌توان به اسلام اصیل راه پیدا کرد.
- ۹- خواندن علوم حوزوی جز آنچه موافق کتاب و سنت قطعیه باشد حرام است؛ مگر برای رد کردن آنها.
- ۱۰- نوشتن رساله عملیه توسط هر مجتهدی که فتاوی مخالف قرآن را از ترس مردم افشا نمی‌کند حرام است و نیز استفاده از وجوهات شرعیه برای انتشار چنان رساله‌ای، حرام است.
- ۱۱- فرقی ندارد که مجتهد اعلم، زن باشد یا مرد. (زعامت و رهبری غیر از مرجعیت است. بر زن جایز نیست که رهبر سیاسی باشد)
- ۱۲- تقلید ابتدایی از میت اعلم قرآنی در فتاوی که از او موجود می‌باشد، واجب است.
- ۱۳- در امر قضاوت نیز، قضاوت زنان بر اساس کتاب و سنت، با احراز شرایط صحیح قضاوت، جایز است.
- ۱۴- میانگین بلوغ در مورد نماز برای پسر و دختر نوعاً از ابتدای ۱۰ سالگی (هق) آغاز می‌شود.
- ۱۵- میانگین بلوغ برای روزه گرفتن - که معیار آن توانایی جسمی است - برای پسر و دختر از ابتدای ۱۳ سالگی (هق) می‌باشد.
- ۱۶- تا زمانی که رنگ، بو یا مزه آب با نجاست تغییر نکرده، پاک و پاک کننده است و کم و یا زیاد بودن آب هیچ تأثیری در این حکم ندارد. (فرقی بین آب کُر و قلیل وجود ندارد و کُر به معنای آب زیاد است نه حدّ معین مصطلح فقهاء).
- ۱۷- نجاستی که در شرع ثابت شده، عبارتند از:
- ۱- بول (ادرار) ۲- غائط (مدفوع) ۳- منی ۴- خون ۵- مردار ۶- سگ ۷- خوک
 - ۱۸- تمامی مست کننده‌ها خوردنش - به هر اندازه - حرام است ولی پاک می‌باشند.
 - ۱۹- اگر چه افکار مشرکان و ملحدان و کفار پلید است اما بدن آنان پاک است مگر آنکه در تماس با نجاسات نجس شده باشد.
 - ۲۰- خون داخل تخم‌مرغ پاک است و خوردن آن حتی در صورت عدم مخلوط کردن هم جایز است.
 - ۲۱- در وضو، شستن صورت از هر جهتی جایز است، گرچه استحباب آن در شستن از بالا به پایین است.
 - ۲۲- در وضو شستن دست‌ها از آرنج تا سر انگشتان از هر جهتی و به هر شکلی جایز است، گرچه استحباب آن در شستن از آرنج به سمت سر انگشتان است.
 - ۲۳- در مسح پا، باید کل روی پا تا برآمدگی اول بوسیله تمام داخل کف دست مسح شود و با یک انگشت یا سه انگشت کفایت نمی‌کند؛ و لاک ناخن حتی در یک انگشت هم مانع مسح است و ازاله آن واجب است.
 - ۲۴- مذی، ودی و ودی در صورتی که مشکوک باشد مخلوط با ادرار هست یا نه، پاک است و استبراء از بول شرط پاک بودنش نیست.

- ۲۵- خروج هرگونه مایعی از آلت تناسلی مرد و زن چه در حال خواب، بیداری و یا نزدیکی تا زمانی که یقین نکند که منی یا ادرار است؛ پاک است. (با توجه به روایات رسیده از معصومین علیهم السلام، زنان نیز امکان دارد محتلم شوند بنابراین در حال نزدیکی، مایعی که به هنگام اوج شهوت از زن خارج می‌شود در حکم منی بوده و نجس است).
- ۲۶- در غسل، ترتیب خاصی شرط نیست؛ یعنی می‌توان کل بدن را به هر شکلی شست ولی شستن سر و گردن و بعد راست بدن و سپس چپ، مستحب است.
- ۲۷- با هر غسلی - به غیر از غسل استحاضه متوسطه و کثیره - می‌توان نماز خواند و نیازی به وضو ندارد.
- ۲۸- با غسل‌های مستحبی که مشروع بودنش صد در صد ثابت شده باشد می‌توان بدون وضو نماز خواند.
- ۲۹- بر هر زنی در حال حیض واجب است در وقت نماز وضو بگیرد و رو به قبله بنشیند یا بایستد و به جای نماز، ذکر بگوید. و بهتر است کل اذکار نماز را بگوید.
- ۳۰- غسل جمعه در روز جمعه واجب است. و در صورتی که به علت عذر موجه شرعی نتوانست روز جمعه، غسل کند باید تا غروب روز شنبه آن را قضا نماید. همچنین اگر در روز پنجشنبه می‌داند که روز جمعه به دلایلی شرعی نمی‌تواند غسل کند، باید روز پنجشنبه آن را انجام دهد.
- ۲۴- شهادت ثلاثه جزء اذان و اقامه نیست بلکه بدعت بوده و قصد رجاء هم درباره آن جایز نیست ولی واجب است بعد از شهادت به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ذکر صلوات همراه با اضافه آل محمد علیهم السلام، آورده شود که شامل تمامی معصومان محمدی علیهم السلام می‌شود.
- ۲۵- با شنیدن یا نوشتن نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، صلوات فرستادن همراه با ذکر آتش علیهم السلام واجب است.
- ۲۶- نماز جمعه چه در حضور امام معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت، با شرائطش واجب است.
- ۲۷- اولین شرط امامت جمعه عدالت است و دروغ یا غیبت یا تهمت و یا دعا کردن برای ظالم، امام جمعه را از عدالت ساقط می‌کند.
- ۲۸- شروع خطبه جمعه قبل از ظهر شرعی بدعت است و شرکت در چنین نماز جمعه ای حرام بوده و شرکت کردن در آن مصداق بارز تأیید منکر است.
- ۲۹- خواندن سوره‌های جمعه و منافقون در نماز جمعه، واجب است.
- ۳۰- در هنگام خطبه‌های نماز جمعه، روبه قبله بودن مأمومین و نیز طهارت (وضو یا غسل) شرط صحت است.
- ۳۱- در هنگام خطبه‌ها، هم گوش دادن واجب است و هم سکوت کردن.
- ۳۲- بلند خواندن حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه حتی برای کسی که نماز جمعه نمی‌خواند، واجب است.
- ۳۳- در صورت تحیر در قبله، به یک طرف نماز خواندن کافی است و به چهار طرف خواندن وجه شرعی ندارد. ولی در صورتی که به یک طرف نماز بخواند و قبل از تمام شدن وقت، معلوم شود قبله در جهت دیگری بوده، باید دوباره بخواند.
- ۳۴- در نماز واجب پس از خواندن سوره حمد، خواندن حداقل ۴ آیه از قرآن کریم کفایت می‌کند و دلیل متقنی بر وجوب خواندن یک سوره کامل وجود ندارد، بلکه فقط استحباب دارد.
- ۳۵- در خواندن حمد و سوره در نماز، واجب است آن‌ها را بر حسب قرائت قرآن متداول بخواند و لذا قرائت ملک به جای مالک و کُفُوا، کُفُوا و کُفُواً به جای کُفُواً جایز نیست و مبطل نماز است.

- ۳۶- کوتاه خواندن (اخفات) تسبیحات اربعه و حمد و سوره نماز ظهر و عصر به گونه‌ای که جوهر صدا آشکار نشود، بر زن و مرد واجب است و بلند خواندن (چهر) نماز صبح، مغرب و عشاء [به جز تسبیحات اربعه] بر مردان، واجب نیست بلکه تنها مستحب مؤکد است.
- ۳۷- در نماز - حتی در حال اختیار- سجده بر فرش، زیلو، موکت و مانند آن جایز است. (غیر از خوردنی و پوشیدنی، نجس و محل متنجس یا غصبی).
- ۳۸- نماز تحت هیچ شرایطی در هیچ کجای دنیا در مسافرت‌های دور و یا نزدیک شکسته نمی‌شود بلکه فقط در صورت خوف (ترس از زیان رسیدن به یکی از نوامیس پنجگانه جان، دین، عقل، عرض (آبرو) و مال)، کیفیت آن تغییر می‌کند؛ یعنی چیزی از رکعات کم نمی‌شود.
- ۳۹- در سفر- در غیر حالت حرج یا عسر- روزه گرفتن ساقط نمی‌شود. (سفر مانع روزه نیست).
- ۴۰- خواندن نمازهای یومیه به جماعت واجب است مگر آنکه عذر موجه شرعی داشته باشید و یا شرائطش موجود نباشد.
- ۴۱- زن می‌تواند برای زنان امام جماعت شود.
- ۴۲- در نماز جماعت هنگامی که مأموم صدای حمد و سوره امام را نشنود، واجب است خودش حمد و سوره را - به آرامی که جوهر صدا آشکار نشود- بخواند.
- ۴۳- نماز و روزه استیجاری مستند شرعی ندارد بلکه بدعت است.
- ۴۴- قضای نماز پدر و مادر بر عهده پسر بزرگ و هیچ کدام از ورثه نیست.
- ۴۵- نماز عید فطر و قربان چه در زمان حضور معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت با شرائطش واجب است.
- ۴۶- رؤیت هلال با چشم مسلح (تلسکوپ و امثال آن) هم ثابت می‌شود.
- ۴۷- اجماع منجمین بدون اختلاف، درباره ندیدن هلال ماه، حجت شرعی است. (یعنی اگر منجمان اجماع نمایند که برای منطقه‌ای خاص از کره زمین و در فلان روز یقیناً ماه در منطقه رؤیت وجود ندارد، آن روز در آن منطقه اول ماه نخواهد بود).
- ۴۸- مبطلات روزه عبارتند از: ۱- خوردن ۲- آشامیدن ۳- همبستری و مباشرت با همسر ۴- استمناء ۵- دروغ بستن عمدی بر خدای متعال و معصومین علیهم السلام که این مورد، خروج از اسلام محسوب می‌شود.
- ۴۹- گرچه سر به زیر آب بردن و نیز غسل ارتماسی در حال روزه حرام است، ولی مبطل روزه نیست.
- ۵۰- گرچه استعمال دخانیات (مانند سیگار و قلیان) کلاً حرام است، ولی مبطل روزه نیست.
- ۵۱- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح، مبطل روزه ماه مبارک رمضان نیست؛ بلکه فقط عمل جنسی در حال روزه، حرام و مبطل روزه است.
- ۵۲- اگرچه خوردن اخلاط سر و سینه هنگامی که به فضای دهان برسد حرام است ولی در حال روزه، مبطل آن نیست.
- ۵۳- تزریق آمپول‌های تقویتی در حال روزه، مبطل روزه است.
- ۵۴- اعتکاف در کل مساجد جایز است و منحصر به مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد کوفه و مسجد بصره) و مسجد جامع نیست.
- ۵۵- خمس به تمام اموال تعلق می‌گیرد (حتی هدیه، ارث و دیه) و نصف آن هم به سادات اختصاص ندارد و مختص به غنائم جنگی هم نیست.
- ۵۶- زکات مانند خمس به تمامی اموال تعلق می‌گیرد و منحصر به نه چیز معروف نیست.
- ۵۷- در شب عید فطر، زکات میهمان بر عهده خودش است مگر آنکه میهمان فقیر باشد.

- ۵۸- ربا کلاً حرام است. حتی بین پدر و فرزند، زن و شوهر و حتی از کفار. همچنین مکیل و یا موزون بودن هم نقشی در آن ندارد.
- ۵۹- هرگونه معامله‌ای که عاقلانه باشد و از روی جهالت و سفیهانه نباشد و مورد معامله هم حلال باشد جایز است. (مثلاً معامله شراب چون اصلش در شرع حرام شمرده شده است در صورت رضایت دو طرف هم خرید و فروش آن حرام است).
- ۶۰- بیع کالی به کالی جایز است. (بیعی که از طرفین بطور نسبه ولی همراه با تعیین وقت باشد).
- ۶۱- ساختن مجسمه و خرید و فروش آن بی اشکال و جایز است مگر در صورتی که مورد عبادت قرار گیرد.
- ۶۲- عقد دختر باکره و رشیده بدون اذن پدر جائز است. (حتماً بایستی شرایط مندرج در رساله عملیه معظم له رعایت شود)
- ۶۳- عده طلاق، در صورت احتمال بارداری واجب است و در غیر این صورت واجب نیست.
- ۶۴- عده وفات کلاً واجب است و مدت آن چهار ماه و ده شب است نه ده روز.
- ۶۵- خروج زن از خانه، بدون اجازه شوهرش تا زمانی که با حقوق زناشویی منافات نداشته باشد جایز است و اطاعت شوهر در این مورد واجب نیست.
- ۶۶- نزدیکی با زن از پشت (دُبر) حرام است. حتی اگر خود زن درخواست کرده باشد.
- ۶۸- ازدواج زن زناکار با مرد مؤمن و همچنین مرد زناکار با زن مؤمن حرام است، مگر در صورت ثبوت توبه حقیقی.
- ۶۹- مدت ازدواج موقت باید به طور معقول باشد و زمان آن نباید طوری باشد که از عمر معمول طرفین بیشتر باشد. مانند عقد موقت ۹۹ ساله! یا اینکه مثلاً پیرمردی ۸۰ ساله عقد موقت ۳۰ ساله بخواند که چون در این موارد احتمال عقلایی در زنده بودن نیست، عقد باطل است.
- ۷۰- مدت عده در عقد منقطع، دائم و همچنین زنا یکسان است.
- ۷۱- استمتاع (بهره برداری و لذت بردن) شوهر از زنش که در حال حیض است از بین ناف تا زانو کلاً حرام است.
- ۷۲- در حکم شیرخوارگی (رضاع) تنها مادر و خواهر و برادری که از آن مادر شیر خورده اند با هم محرمند و حدود ۵۴ فرد دیگر که مشهور فقهاء آنها را محرم می‌دانند، بر اساس نص قرآن نامحرمند.
- ۷۳- زن از کل ماترک مرد ارث می‌برد. (منقول و غیر منقول، خانه و غیر خانه)
- ۷۴- وصیت در هنگام مرگ در ثلث مال واجب است مگر در صورتی که واجباتی بر عهده میت نباشد و نیز ورثه نیازمند کلی به آن ثلث نباشند.
- ۷۵- تمام انواع کلاغها و خرگوش حلال گوشت می‌باشند، مگر آنکه نجاست خورده باشند که باید استبراء گردند تا حلال شوند.
- ۷۶- خوردن تمام اجزای خوراکی حیوان حلال گوشت پس از ذبح بجز آلت تناسلی، جایز است.
- ۷۷- تمام ماهی‌های غیر مهاجم (چه فلس دار و چه بی فلس) حلال گوشت می‌باشند.
- ۷۸- در هنگام قرائت قرآن، سکوت و گوش دادن و ساکت کردن دیگران تا حد امکان واجب است.
- ۷۹- مرد نمی‌تواند بدون دلیل شرعی زن خود را مطلقه نماید و حق طلاق و اجرای آن نیز فقط منحصر به مرد نیست.
- ۸۰- در هنگام ذبح حیوانات، بریدن سر از جلو و یا پشت گردن هر دو صحیح است ولی از پشت گردن و چپ یا راست مرجوح است.
- ۸۱- حق الماره شرعیت ندارد و اکل مال به باطل است مگر آنکه صاحب مال راضی باشد.
- ۸۳- کارهای لہوی، در صورتی که باعث ترک واجب یا انجام حرام شود، حرام است. ولی اگر فعلاً چنین نیست ولی ادامه آن منجر به چنین عملی شود باید ترک شود؛ چون مقدمه حرام، حرام است. همچنان که مقدمه واجب، واجب است.

۸۴- بازی با شطرنج حتی بدون برد و باخت حرام است ولی بازی با دیگر آلات مانند پاسور، تخته نرد و ... بدون برد و باخت تا آنجا که به ترک واجب و انجام حرام منجر نشود و ایجاد دشمنی بین طرفین نکند جایز است. (و در عین حال باید توجه داشت که عمر مؤمن ارزشمندتر از آن است که صرف اینگونه امور شود!)

۸۵- آواز و خوانندگی و موسیقی (در تمام انواعش) در صورتی که شهوت انگیز نباشد و موجب غفلت از یاد خدای متعال نگردد و به طور کلی به فساد و بی بند و باری منجر نشود حرام نیست گر چه ملازمت به این امور را به مؤمنین توصیه نمی کنیم. (غفلت از یاد خدای متعال یعنی اینکه مکلف واجبی را ترک کند یا در آن سست شود و حرامی را انجام دهد یا به آن رو آورد.)

۸۶- رقص محارم در کنار هم در صورتی که شهوت انگیز نباشد و موجب ترک واجب و فعل حرام نشود، جایز است. ولی رقص زن و شوهر برای یگدیگر- بدون حضور دیگران- حتی اگر منجر به برانگیختن شهوت شود تا زمانی که موجب ترک واجب و فعل حرام نشود، جایز است.

۸۷- کلاً کف زدن و تشویق کردن دیگران در صورتی که تشویق فعلی حرام نباشد، جایز است.

۸۸- شرکت در مجالس گناه حرام است مگر به عنوان نهی از منکر.

۸۹- پوشیدن ابریشم و زینت کردن به طلا برای مردان حرام است.

۹۰- زنا و لواط فقط با شهادت چهار مرد عادل ثابت می شود و علم قاضی در اثبات آن اعتباری ندارد.

۹۱- ریش گذاشتن برای مردان مستحب است و تراشیدن آن جایز می باشد و حرام نیست.

۹۲- نذر روشن کردن شمع بر سر مزار معصومین علیهم السلام و قبور مؤمنین اگر جهت استفاده از روشنایی آن باشد جایز است و در غیر این صورت مشروع نیست بلکه اسراف است.

۹۳- بیت المال مسلمین باید برای عموم مسلمین بطور عادلانه مصرف شود و خرج آن برای عده ای خاص، آن هم در حالتی که اکثریت مردم رضایت ندارند حرام است؛ مثلاً پول های میلیاردری برای فوتبال و ورزشهایی مانند شطرنج، قطعاً حرام است و نیز استفاده از بیت المال برای کارمندان وزارت امور خارجه و امثال آن که در بعضی موارد درآمد یک ماه آن ۲۰ برابر حقوق یک کارمند دیگر در دولت است، حرام می باشد.

۹۴- شهادت فرزند علیه (بر ضد) پدر، مادر و خویشاوندان در موارد خاص شرعی، واجب است.

۹۵- سجده های واجب قرآن ۱۲ مورد می باشد که عبارتند از:

سوره اعراف، آیه ۲۰۶	سوره حج، آیه ۱۸	سوره سجده، آیه ۱۵
سوره رعد، آیه ۱۵	سوره حج، آیه ۷۷	سوره فصلت، آیه ۳۷
سوره نحل، آیه ۴۹	سوره فرقان، آیه ۶۰	سوره نجم، آیه ۶۲
سوره اسراء، آیه ۱۰۷	سوره نمل، آیه ۲۵	سوره علق، آیه ۱۹

۹۶- در بحث دیات، روایت أبان (در مورد دیه انگشت بریده شده زن) بر خلاف ضرورت عقل کل عقلای عالم و مخالف قرآن و سنت قطعیه می باشد.

۹۷- سیادت هرگز فقط از طرف پدر نیست بلکه از طرف مادر هم منقول می شود و حتی سیادت از طرف مادر قوی تر می باشد.

۹۸- جمله نواقص الحظوظ و العقول و الإیمان در نهج البلاغه که گفته می شود از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد زنان صادر شده است، جعلی می باشد. (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۷۹)

۹۹- معصومین علیهم السلام فقط ولایت مطلقه شرعی دارند و لی ولایت تشریحی و تکوینی ندارند بلکه ولایت تشریحی و تکوینی تنها مختص به خدای متعال است.

- ۱۰۰- بر اساس آیه ۳۲ سوره فاطر، تنها وارثان بحق قرآن، بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دوازده امام معصوم علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشند که حتی از انبیاء اولوا العزم هم برترند.
- ۱۰۱- در زمان غیبت، رهبری سیاسی جامعه اسلامی باید زیر نظر شورای فقیهان اعلم عدل، بر مبنای قرآن و سنت قطعیه باشد.
- ۱۰۲- انسان جانشین خدا بر روی زمین نیست بلکه خلیفه انسانهای گذشته است.
- ۱۰۳- گرچه ولایت شورای فقهی اعلم عدل قرآنی در عصر غیبت در نزد ما ثابت و تبعیت از آن واجب است، اما این ولایت مطلقه نیست و ولایت مطلقه برای فقیه اصلی اسلامی ندارد.
- ۱۰۴- به جز ذات خدای متعال که مجرد - از ماده و مادیات - است بقیه خلایق حتی ملائکه و روح، مادی هستند گرچه دیدنی و از جنس ماده‌ای که تا امروز بشر می شناسد نیستند.
- ۱۰۵- خلود اهل جهنم و کفار در آتش، ابدی نیست بلکه احیاناً کمتر از استحقاقشان است.
- ۱۰۶- عالم ذر قبل از خلقت انسان وجود نداشته است و آیه ۱۷۲ سوره اعراف نیز هیچ دلالتی بر این موضوع ندارد، بلکه این آیه اشاره به تکوین و خلقت انسان دارد.
- ۱۲۴- معاد در انحصار روح و جسم برزخی و اصل جسم انسانی از زمان تکلیف تا مرگ می باشد؟؟
- ۱۲۱- روایات ردّ الشمس، خلاف عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و لذا قابل قبول نیست. همچنین روایات ردّ الشمس برای حضرت سلیمان علیه السلام نیز مخالف نصّ صریح آیه و جعلی می باشد. ولی شقّ القمر به تصریح قرآن کریم انکارناپذیر است.
- ۱۲۲- عصمت معصومان محمدی علیهم السلام در مرتبه دوم عصمت، بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ولی مقدم بر کل انبیاء دیگر است.
- ۱۲۳- خطای حضرت آدم علیه السلام قبل از رسالتش بوده است و مورد قبول است نه اینکه ترک اولی و در زمان رسالتش باشد.
- ۱۲۷- این قرآن موجود، حادث است ولی مطالبش قدیم است یعنی همگی در علم خداست که ازلیت دارد.
- ۱۲۸- اولی الامر در قرآن فقط معصومین محمدی علیهم السلام را شامل است و غیر اینان - حتی فقهی جامع الشرائط - را شامل نمی شود؛ زیرا «اطیعوا» طاعت مطلقه است و غیر معصومان، مطلق نیستند.
- ۱۲۹- رأی و نظر دادن غیر متخصص، در امری تخصصی که سر رشته‌ای در آن ندارد، حرام است.
- ۱۳۰- در هر انتخاباتی - برای انتخاب اصلح - فقط رأی دادن متخصص امین در همان امر خاص به متخصص امین هم صنف آن متخصص، جایز است.
- ۱۳۱- ارکانی اصلی از فلسفه مرسوم حوزوی مانند قدمت زمانی جهان و حدوث ذاتی آن، سنخیت خدا و آفریدگان بر مبنای ضرورت سنخیت علت و معلول و همچنین قاعده «الواحد لا یصدّر منه إلا الواحد» و اعتقاد به تجرّد روح بر خلاف برداشت‌های درست عقلی و قرآن کریم است.
- ۱۲۳- در حدود اسلامی چیزی بنام سنگسار وجود ندارد بلکه آنچه از سنت قطعیه بدست می آید ریگسار است. با این توضیح که چون زناکار احترام حکم جامعه اسلامی را حفظ نکرده است؛ باید در ملاء عام به او بی احترامی شود و نه اینکه کشته و یا معیوب شود. و در اجرای حکم هم همین اندازه که صدق ریگسار و سنگ ریزه زدن کند کافی است و اگر در حین ریگسار فرار کند، نباید او را تعقیب کرد.

۱۳۳- در آیه ۱۲ سوره طه «فاخلع نعلیک»، اضافه بر حکم فقهی درآوردن کفش به هنگام نماز، شامل دو نکته عرفانی هم می - شود. با این توضیح که چون نعل در لغت عرب به معنای «ما یمشی به» است پس به هنگام نماز باید بعد از درآوردن کفشها، اولاً به جسم و روح خود توجهی نداشته باشیم و ثانیاً به دنیا و آخرت اعتنائی نکنیم، بلکه فقط باید به این نکته توجه نماییم که چه سخنی با پروردگاران می‌گوییم و البته این با تمرین میسر است.

۱۳۴- بر اساس آیه ۲ سوره اسراء، معراج پیامبر اکرم (ص) جسمانی و روحانی بوده و نه صرفاً روحانی. بنابراین عبارت «عرجت» به «در دعای ندبه صحیح است و نه عبارت «عرجت بروحه»!

۱۳۵- اسلام ناب و کامل فقط اسلامی است که از قرآن و عرضة احادیث و اقوال بر قرآن به دست می‌آید و هر چیزی به عنوان دین از غیر این راه به دست آید؛ جعلی بوده و بدعت است.

علاقه مندان به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم برای توضیح بی‌شتر و آشنایی با ادله، به تفسیر شریف سی جلدی الفرقان و دیگر کتب استدلالی معظم له مراجعه فرمایند.

گردآوری و تنظیم:

معاونت فرهنگی جامعه علوم القرآن

پاییز ۱۳۸۹

ویرایش سوم

با آرزوی تعجیل در فرج آقا و مولایمان ولی امر مسلمین جهان، حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ برای

تحقق بخشیدن عملی به احکام قرآن

«أین المؤمنل لإحیاء الکتاب و حدوده، أین مَحیی معالم الدین و أهله»

کجاست آن کسی که آرزو داریم قرآن کریم و حدود آن را احیا کند؟

کجاست آن کسی که علوم دین و اهل آن را زنده می‌گرداند؟

(فرازی از دعای ندبه)